

و در کوششند و در کفای آن حساب المقدور کوشندند  
و ایاره آوردند و ایاره کوشند و ایاره کوشند

**بیست**  
امتیاز کوششند  
اما اولی که کوششند

عشق سرایت کوششند  
عشق سرایت کوششند

عاقبت دانیان بروی روز افتاد و سزایشان از زمین  
عاقبت دانیان بروی روز افتاد و سزایشان از زمین

گهون باخبر و ز آمد میان دو قوم ایشان جنگها میکنند  
گهون باخبر و ز آمد میان دو قوم ایشان جنگها میکنند

شد و خیر باخبر گشت و قیامت در آن روز  
شد و خیر باخبر گشت و قیامت در آن روز

برگشتند و یاد اقامت بدیاری میکنند چون شداید  
برگشتند و یاد اقامت بدیاری میکنند چون شداید

فراق متمادی شد و حاجی اشتیاق متقاضی گشت روزی  
فراق متمادی شد و حاجی اشتیاق متقاضی گشت روزی

اشترایان زد و ستان خود گشت گریه قانی گشاید  
اشترایان زد و ستان خود گشت گریه قانی گشاید

بیای و مراد زیارت جید آمد کاری نهایی گشاید  
بیای و مراد زیارت جید آمد کاری نهایی گشاید

من در آرزوی او بلب رسید و روز من در مفارقت  
من در آرزوی او بلب رسید و روز من در مفارقت

و همان سخ روی باز دیگر روی در آن سیر روزان  
و همان سخ روی باز دیگر روی در آن سیر روزان

و چندین تن دیگر را سر داشت و آخر نهاد و چون هوای  
و چندین تن دیگر را سر داشت و آخر نهاد و چون هوای

ازین واقعه خبر یافتند جامه از آن و موکی گمان شناختند  
ازین واقعه خبر یافتند جامه از آن و موکی گمان شناختند

وان هر دو کشتند را بر زد و در یک قریب کس سیرند  
وان هر دو کشتند را بر زد و در یک قریب کس سیرند

**بیست**  
هر دو را از زمین از سر عزت کردند  
هر دو را از زمین از سر عزت کردند

تا نبرد روز جزا خورد و در دم بر خیزند  
تا نبرد روز جزا خورد و در دم بر خیزند

در تختگاه بیک بیسترشان جا کردند  
در تختگاه بیک بیسترشان جا کردند

تا هم شاد بخسند و به هم بر خیزند  
تا هم شاد بخسند و به هم بر خیزند

**حکایت**  
جوان با کمال و ادب با شتر مناسبت بخیر  
جوان با کمال و ادب با شتر مناسبت بخیر

جمیلیا در تهران قیل جید نام عاشق شد و رابطه داد  
جمیلیا در تهران قیل جید نام عاشق شد و رابطه داد

و قاعده اتحاد میان ایشان مستحکم باد آن را از آن بک  
و قاعده اتحاد میان ایشان مستحکم باد آن را از آن بک

قیامت در آن روز

ملقب